

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ!

سرنوشت اطفال مان چه خواهد شد؟

(ترجمه)

جوانان، لنگرگاه بلندپروازی‌ها، ریسک‌ها، سعی و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر، امید هر ملت و وسیله پیش‌رفت و تغییر هر جامعه‌اند؛ اما پرسش این است که چرا جوانان این‌گونه‌اند؟

زیرا جوانان می‌توانند واقعیت را بسیار زود درک کنند. ویژگی‌های که جوانان از آن برخوردارند، آنان را به سادگی در این خصوص توانمند ساخته است. جوانان همین‌که خویش را در مرحله انتقال از دوران طفولیت می‌یابند، از دورانی که در آن در تدبیر امور زندگی برخوردارند و اهل خود و برای دریافت ثقافت و دانش به معلم خود تکیه کرده‌اند، در این مرحله احساس می‌کنند به جای رسیده‌اند که می‌توانند تمام مسئولیت‌های خود را به دوش گرفته و دیگر نیازی به تکیه بر دیگران ندارند. این جاست که به زندگی و اجتماع به چشم یک پژوهش‌گر نگریده‌سته، می‌خواهند که در زندگی نقش خود را داشته باشند.

بنابراین، دیده می‌شود جوانان همواره به دنبالی فرصتی‌اند که بتوانند در آن اهداف خویش را محقق ساخته و به بلندپروازی‌های خویش دست یابند. بنابراین، در برابر هرآنچه مسیر آنان را سد و مانع پیش‌رفت آنان قرار گیرد به پا می‌خیزند. جوانان کسانی‌اند که در گردآمدن در هر فراخوانی که برای تغییر سرداده می‌شود و در هر خیزش علیه واقعیت‌های دردناک، در صف اول قرار داشته و آماده تقدیم گران‌بهاترین قربانی‌ها می‌باشند؛ زیرا جوانان چیزی را از دست نمی‌دهند. جوانان یا به بلندپروازی‌های خویش دست می‌یابند و یا در راه آن می‌میرند. جوانان چیزهای را که بر آن بگریزند و یا از خسارت و از دست دادن آن بترسند، ندارند. زیرا خسارت واقعی جوانان خاموشی و کم‌بود فرصت‌های می‌باشد که برایش اجازه تحرک و پیش‌رفت می‌دهند.

جوانان هم و غم تمام نظام‌ها و سیاست‌مداران است؛ زیرا در واقع نیروی کاری و قدرت تطبیق‌کننده تمام پالیسی‌ها و پروژه‌ها، جوانان‌اند. بلندپروازی‌ها، قربانی‌های‌شان... حدی و مرزی را نمی‌شناسد.

شاید چنین پرسشی پیش آید که این همه مقدمه برای چیست؛ درحالی‌که عنوان: "سرنوشت اطفال مان چه خواهد شد؟" است.

در پاسخ باید گفت: امت اکنون در بدترین وضعیت قرار دارد؛ لذا باید درد و منبع درمان آن را بشناسد. امت امروز به خوبی دریافته است که سبب این زندگی فلاکت‌بار، طبقه سیاسی حاکم می‌باشد، طبقه‌ای که زندگی آن‌ها را با نظام‌های مدیریت می‌کند که مانع پیش‌رفت آن‌ها شده و از بیداری آن‌ها جلوگیری می‌کند. زیرا این طبقه، مزدور کفار استعمارگر غربی بوده و همگام با آنان دولت امت را سرنگون و مدت‌هاست که سرزمین‌های آن‌ها را استعمار کرده است و سپس لباس دولت‌های کارتونی و به اصطلاح مستقل را بر تن استعمار نموده و در دستان فرزندان امت سپرده است. در دستان کسانی که عاشق غرب و پیش‌رفت مادی آن می‌باشند، عزم خویش را جزم کرده و پا در رکاب آن گذاشته‌اند که شاید آن‌ها نیز به آن پیش‌رفت مادی پی دست یابند که غرب به آن دست یافته است. علی‌رغم این‌که بارها خود بر بن‌بست بودن مسیرشان تأکید نموده‌اند، باز هم در دنبال کردن غرب و هم‌رکاب شدن با آن‌ها ادامه داده و این کار دشوار را بر چیزی که مجد و عزت را برای‌شان باز می‌گرداند ترجیح می‌دهند.

بلی، از این طبقه فاسدی که بر قضایای امت خویش خیانت کرده، بوی بد فسادشان برمشامها طاقت فرسا می‌باشد، امت مأیوس شده است. آنچه را که غرب در اختیار داشته و ذریعه آن مسیر بیداری امت را متقلب ساخته و نان را به نفع مزدوران‌اش به تنور می‌زند، سلاحی است که هیچ بیداری بدون آن ایجاد نشده و هیچ پیش‌رفتی بدون آن صورت نمی‌گیرد. آن سلاح جوانانی می‌باشد که بر امت خود مخلص بوده، اهمیت قضیه خویش را درک کرده، و به پروردگار و رسالت پیامبرش ایمان دارند، طوفانی که اگر به راه افتد استعمار و مزدورانش را از بیخ و بن کنده و هیچ اثری از آن باقی نمی‌گذارد. غرب همواره این طیف زنده از امت را اهلی ساخته به حکام فاسد طول عمر می‌بخشد، تا بر تسلط خویش بالای ظرفیت‌ها و دارائی‌های امت ادامه دهد.

مدتهاست که تلاش‌ها برای ضایع ساختن جوانان امت آغاز شده است، لیکن انقلاب‌های اخیر لطمه بزرگی را بر غرب و همکاران‌اش وارد نموده است؛ زیرا آنان به این وسیله تلاش‌های مداوم خویش را بر فاسدسازی اذهان جوانان بی‌نتیجه دیده اند؛ چون جوانان امت بسیار سریع بیدار شده و قضیه خویش را درک و توطئه‌های را که غرب بر علیه آن‌ها و بر علیه امت‌شان طرح می‌نماید، به خوبی می‌شناسند.

اما امروز باز هم دیده می‌شود که غرب بستر توطئه‌هایش را بسیار ریشه‌دار، پهن نموده است که در این میدان جوانانی که قاعده فکری اسلامی در آن‌ها ریشه دوانده است؛ اگر از راه منحرف و یا فریب دشمن را هم بخورند، بسیار سریع این قاعده در آن‌ها زنده شده و به وسیله آن بیدار و با اطمینان کامل بر دین خویش به پا می‌خیزند. اگر جوانان از دوره طفولیت بر مبنای عقیده قوی رشد نکرده باشند؛ پس در آن صورت فارغ از مفاهیم عمیقی می‌باشند که آنان را دوباره به جاده حق باز گرداند. نیرنگ‌ها امروزی دامن تمام طیف‌های امت را گرفته و در تمام میدان‌ها و با تمام نیروی فطرت سلیم، اطفال معصوم را هدف قرار داده است.

برنامه‌های تعلیمی تمام آنچه که عقیده اسلامی را در اذهان اطفال نهادینه می‌سازد دور انداخته است. در بدل آن، کفار، پلیدی‌پی را جایگزین ساخته است که دین مسلمان را برایش مخشوش می‌سازد؛ از جمله: مفکوره وحدت ادیان، هم‌پندیری دینی و سازش با دیگران، حقوق طفل، هویت جنسی....

سازمان‌های فرهنگی و غیرتعلیمی از طریق برنامه‌های بدون منهج و از طریق تلویزیون‌ها و سایت‌های گوناگون انترنیتی، برای ساختن الگوهای بی‌حیاء و کم‌خرد از هیچ تلاشی دریغ نکرده و شیوه زندگی غربی را با ظاهر پرزرق و برق تقدیم اطفال می‌نماید.

در خانواده، گواراترین آغوش برای اطفال و نهادینه‌ساز مفاهیم ناب اسلامی در اذهان اطفال، بهترین مربی و معلم‌شان، مادر را هدف قرار داده، آن را به بیرون شدن از خانه و ترک اطفال برای کودکان‌ها و به تربیه اطفال به دور از آغوش مادران، تشویق می‌نماید. علی‌رغم این‌که پدران را به بهانه طلب رزق، تمام وقت مصروف فراهم‌سازی خواست‌های زندگی عصری خانواده نموده است؛ درحالی‌که این فرموده رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم، به روایت عبیدالله بن محصن انصاری، روزی شعار هر مسلمان محسوب می‌شد:

«من أصبح منكم أمتا في سربه، معافي في جسده، عنده قوت يومه فكأنما حيزت له الدنيا بحذافيرها» (ترمذی)

ترجمه: کسی که از خواب و خوابگاهش درحالی برخیزد که در خانه و یا محل سکونت‌اش احساس آرامش را نماید و هم‌چنین از ناحیه بدن سالم و تن درست بوده و درعین حال قوت و یا خوراکه همان شب و روزش را هم داشته باشد؛ مثل این است که دنیا با تمام داشته‌هایش برایش داده شده است.

بلکه هر پدری که نتواند رفاهیت خانواده‌اش را فراهم کند، پدر سنگ‌دل و ستم‌گری محسوب می‌شود که زندگی فرزندان خویش را تباه کرده است، تاجای که علیه آن قیام شده و قیمومیت را از آن غصب می‌کنند!

این‌گونه می‌خواهند که اطفال‌مان را از ما دزدیده و آنان را فاسد سازند، تا این‌که مانع تبدیل آنان به جوانانی شوند که برای خانواده و امت‌شان منبع بشارت خیر باشند. می‌خواهند اطفال‌مان جوانانی شوند که از دنیا جز خوش‌گذرانی، دیگر چیزی نشناسند. می‌خواهند که هیچ ظرفیت بیداری رشد نکرده و هم‌چنان مهار امور در دست خود فروخته‌ها و بی‌خردان باشد، تا امت را همواره تابع و ذلیل نگهدارد؛ درحالی‌که خود همه چیز را در اختیار دارد دست به سوی داشته‌های دشمنانش دراز نماید. صرف به حاکمیت نظام‌های وضعی راضی شوند؛ درحالی‌که الله سبحانه‌وتعالی نظام ربانی را فرستاده است که تمام بخش‌های زندگی را فراگرفته و زندگی همراه با آرامش و سعادت دنیا و آخرت را همراه دارد.

این داستان امتی است که گذشته و حال آن به سرقت برده شده و هیچ وقت از توطئه‌های که مانع قوت اراده آن می‌شود نجاتی ندارد. دشمنان‌اش همواره می‌خواهند که امت، دست بسته بوده و می‌خواهند که از طریق فاسدسازی اطفال‌شان جوانان آینده، کسانی باشد که هر آن‌چه را امت از دست داده است باز پس بگیرد و آینده امت را رقم زنند.

ای امت بهترین، ای کسانی‌که رب‌العزت شما را به بهترین امتی صفت کرده است که بار هدایت‌گری بشریت را بردوش دارید، از زیر بال‌پوش خود بیرون شده و این غبار غفلت را که بر بالای‌تان نشسته از خود دورنمائید. نمی‌گوییم که آن‌چه را اطفال‌تان از مفاهیم پلید و خطرناک فراگرفته‌اند را تصحیح نمائید، زیرا تصحیح مفاهیم به تنهای برای مبارزه با توطئه‌های که برای شما و اطفال‌تان طرح شده است، کافی نیست. نمی‌گوییم در برابر این و وضعیتی که شما اطفال‌تان را به خطر مواجه ساخته، قیام نمائید؛ بلکه می‌گوییم به تصحیح مسیر خویش به پا خاسته، علاج شفابخشی را جست‌وجو کنید که این وضعیت فاسد را دور ساخته و آثار آن را محو نماید. بلی، بدون دولت قوی و قدرت‌مند، هرگز نمی‌توانید که با استعمار و توطئه‌های ویران‌کننده آن مواجه شوید و بدون دولت خلافت هرگز برای مسلمانان دولتی قوی و قدرت‌مندی را سراغ نخواهی یافت. ما دیدیم که انقلابات سنجش نشده و بدون آمادگی قبلی ما را به کجا کشاند و ما را در چه دامی انداخت، چیزی را که هرچشمی نمی‌توانست آن را مشاهده کند. درحالی‌که همه روزه این فرموده الله سبحانه‌وتعالی را خوانده و رساترین شعارمان می‌باشد:

﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ [المنافقون: 8]

ترجمه: عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است.

بدون شک که الله سبحانه‌وتعالی راست می‌گوید؛ اما عزت و کرامت، حمایت از فرزندان‌مان و بازگشت آن‌چه از دیارمان غصب شده، محقق نخواهد شد؛ مگر این‌که زندگی اسلامی خویش را به بازگشت دولت خلافت از سر بگیریم، دولتی که ریاست عامه تمام مسلمانان را بدوش داشته، آنان را تحت یک پرچم گرد هم آورده، امورشان را تنظیم، از شوکت‌شان حمایت، سرزمین غصب شده آنان را باز پس گرفته، ترس و وحشت را در دل دشمنان‌شان اندازد تا دیگر جرأت مداخله در زندگی ما را نداشته و خواسته خویش را بر ما تحمیل نمایند.

ای امت بهترین و سالم‌ترین، رهبری خویش را به حزب‌التحریر بسپارید، به حزبی که مردم‌اش را ناامید نساخته و تنها حزبی می‌باشد که می‌تواند مردم‌اش را به سر منزل مقصود هدایت کند. حزبی که از همان ابتدائی تأسیس خود، هدف‌اش را اعلان نموده، طریقه و راهکار خویش را مشخص نموده، با صبر و متانت رهبران و جوانان‌اش که زندگی‌های مرفه و راحت خویش را قربانی کرده و در عوض زندگی در زندان، شکنجه و دوری از اهل و اولاد را انتخاب نموده‌اند، بسیاری از جوانان‌شان در دستان استعمار و مزدوران و مهره‌هایش، شهید شده‌اند؛ اما هرگز عوض نشد و تغییر نکرد؛ بلکه هم‌چنان ثابت قدم مانده و بر صبرش ادامه داد، تا این‌که صبر از صبرش در شگفت آمد! اینک در یک قدمی هدف‌اش رسیده و به زودی وعده الله سبحانه‌وتعالی و بشارت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم را در یافت خواهد کرد. بلی! امت بازگشت خلافت و از سرگیری زندگی اسلامی را دیگر خواب و خیال نخواهد دید؛ بلکه امروز امید چشم و آرزوی قلب هر مسلمان شده است. لیکن آن‌چه را که تأسیس خلافت و تحقق این هدف کمبود دارد این است که امت باید رهبری واقعی خویش را انتخاب کند، رهبری که هدف را دیده و مسیر را شناخته و

می‌تواند امت را به ساحل نجات هدایت کند. خلافت را شده، امت را از نابودی نجات داده و آن را به سمت عزت و آسایش می‌کشاند. چیزی که  
الله سبحانه و تعالی از تحقق آن ناتوان نیست.

﴿وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ [التوبه: 72]

ترجمه: خشنودی و رضایت الله سبحانه و تعالی بزرگ‌تر و بالاتر از هر چیز است، پیروزی و کامیابی بزرگ همین است.

نویسنده: اسماء الجعیه

مترجم: علی مطمئن